



27-10-2012

در حاشیه نوشته های مرتبط به لیست هزاران شهید

تنظیم، اصلاح و دسته بندی الکترونیک لیست هزاران قربانی توسط محترم آریا کاردقیق و حوصله طلب هموطن گرامی ما محترم رحمت آریا بالای لیست هزاران شهید و تحلیل متکی بر اسناد وی از جریانات نقض حقوق بشروجنایات جنگی ارتکاب یافته توسط هر دو جناح حزب دموکراتیک خلق، برای کمیته حقوق بشر فاروشایسته پشتیبانی جدی و تمجید فراوان است. نوشته ها و ترجمه های دقیق و با کیفیت این هموطن عمدتاً وقف عدالتخواهی بوده است. بارکارمبنتی بر اصول مدرن کمپیوتری بالای لیست پنجهزار قربانی، محترم آریا راه را برای تحقیقات بیشتر توسط فعالین حقوق بشر، مؤرخین و حقوقدانان هموار ساخته است. محترم آریا ایجاد یک databank برای مستند سازی را دریکی از سایتها مطرح کرده است. کمیته حقوق بشر فاروکه قبلاً پیشنهاد مشابه به این را در یک نظرسنجی سایت وزین افغان-جرمن آنلاین مطرح کرده بود ازین طرح محترم آریا استقبال میکند. کمیته حقوق بشر فارو امیدوار است که از اینطریق همه قربانیان و بازماندگان شان یک آدرس معین برای ارسال مشخصات جرم ارتکاب یافته بالای خودشان یا اقارب شان اتفاق افتاده است، داشته باشند.

عکس العملهای گوناگون در برابر ازندامت و معذرتخواهی عبدالرشید دوستم :
تبصره های گوناگون راجع به معذرتخواهی دوستم از مردم افغانستان بخاطر اعمال گذشته اش در رسانه ها جلب توجه میکند. از نظر کمیته حقوق بشر فارو معذرتخواهی از مردم، ولو اینکه از طرف عبدالرشید دوستم باشد، حرکتیست متمدن و قابل تشویق. بخصوص در شرایط افغانستان که عده از جنایتسالاران لانه کرده در خارج با حزبسازی در داخل میکوشند با پروئی وبدون ابرازندامت از سیستمهای تبهکارانه گذشته شان، باز هم داخل عرصه سیاست شوند و عده دیگری پا را ازین هم فراتر گذاشته بعوض معذرت خواهی از اعمال شان در سالهای نودقرن بیست، پیروزی مردم افغانستان بر روسها را دست آورد شخصی خود دانسته و از مردم امتیاز میخواهند. آنکه در همچو شرایط ابرازندامت میکند و معذرت میخواهد، بخاطر این ابتکار کریدت کسب میکند. حتی اگر این معذرتخواهی بخاطر اهداف انتخاباتی هم صورت گرفته باشد.

نوشته محترم داکتر سید الله کاظم بنام "نکاتی چند پیرامون نوشته اخیر آقای دهراد"
این نوشته پاسخ روشن ایست به محتویات نوشته آقای دهراد تحت عنوان " پاسخ و توضیح بر سوالات محترم داکتر سید عبد الله کاظم". در نوشته آقای بصیردهراد نکاتی هم موجود اند که باید از جانب کمیته حقوق بشر در مورد آن توضیح داده شود.

- آقای دهراد به شرایط قبل از فاجعه هفت ثور اشاره میکند که مبارزات سیاسی شکل بحث داشت. وی می افزاید که بعد از قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق برخی از مخالفین این حزب دست به جنگ چریکی زدند. آقای دهراد فراموش کرده اند بیافزایند که حزب دموکراتیک خلق آزادی عقیده و بیان را از همه مردم گرفت. به مخالفین خود برچسب "اشرار" زد و دیکتاتوری "پرولتاریا!؟" را بر آنها تطبیق نمود. دیگر آزادی بحث وجود نداشت. حتی یک تبصره عادی راجع به "نابغه شرق!!" و یا تجاوزاتحاد شوروی که ببرک کارمل قبول دوستی با آنکشور را "شرط وطنپرستی" میدانست میتوانست منجر به مرگ وحد اقل حبس طویل شود. همه کس باید از "انقلاب!؟" پشتیبانی میکردند و والی مورد پیگرد آگسا، کام، خاد و واد قرار میگرفتند. آیا در چنین



Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

شرایطی راه دیگری جز جنگ چریکی یا کار سیاسی مخفی وجود داشت؟ از جانب دیگر آنانی که در میدان جنگ مسلحانه علیه روسها ورژیم وقت کشته شده اند، شهدای گلگون کفن ملت اند. دلجوئی از فامیلهای شان بر هر افغان وطن دوست واجب است. اما ایشان موضوع بحث عدالت انتقالی نیستند. موضوع بحث عدالت انتقالی آن افرادملکی اند که خانه های مسکونی شان توسط توپ و تانک و طیارات نظامی رژیم وروسها مورد حمله قرار گرفته و متحمل خسارات جانی و مالی شده اند. افراد نظامی صرف زمانیکه بنا به مریضی، دستگیری یا تسلیم شدن از میدان جنگ خارج میگردند، از حقوق افرادملکی برخوردار میشوند. همچنان افراد ملکی که که توسط نیروهای امنیتی رژیم بخاطر دگراندیش بودن، مخالفت با مداخله روسها در افغانستان و عدم همکاری با رژیم زندانی گردیده و متعاقباً سر به نیست شده و یا محکوم به جزا های شدید گردده اند، موضوع بحث عدالت انتقالی میباشد. آیا بازماندگان شهدا و سایر قربانیان این جنایات حق عدالتخواهی دارند؟ همه اصول انسانی و کنوانسیونهای حقوق بشر ملل متحد این حق قربانیان را تضمین کرده اند. آیا استفاده از این حق به معنی بر هم زدن اتحاد افغانهاست؟ جواب ما به این سوال اینست که بهترین راه رسیدن به اتحاد افغانها همانا تطبیق عدالت انتقالی است. عدالت انتقالی یک پروسه است که با انتقامجویی سروکاری ندارد و هدف آن دلجوئی از قربانیان است. محاکمه متهمین صرفاً یکی از شیوه های دلجوئی از قربانیان درین پروسه میباشد. اتحادی که بدینگونه بوجود می آید، برعکس اتحاد های مصلحتی نوع کرزی، اتحاد پایدار است.

- آقای دهراد مینویسند: " در تمام اسناد هالندی فقط بر جرایمی استناد میگردد که به احتمال قوی در سالهای 1978 و 1979 اتفاق افتاده اند. ولی احتمالاً بنا بر دلایل سیاسی تمام جرایم مرتکبه به سالهای بعدی ارتباط داده شده اند. " آیا واقعاً در اسناد هالندی قیاس شده است که جنایات دوسال اول حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تمام دوره 14 ساله حاکمیت این حزب انجام یافته؟ یک نظر کوتاه به گزارش رسمی وزارت خارجه هالند مؤرخ 29 فبروری سال 2000 تحت عنوان "ارگانهای امنیتی رژیم کمونیستی" نشان میدهد که این گزارش بین اگسا، کام، خاد وواد دقیقاً تفاوت گذاشته و تشکیلات، بازداشتگاه ها و متوذهای شکنجه را در هر یک از این ارگانهای استخباراتی بطور جداگانه شرح داده است. بطور مثال در مورد مراکز خاد برای شکنجه زندانیان سیاسی در پاورقی صفحه 18 گزارش رسمی از گزارش سال 1985(1364) گزارشگر خاص ملل متحد چنین نقل قول میگردد:

" گزارشگر خاص ملل متحد در گزارش سال 1985 خویش تذکر میدهد که شکنجه سیستماتیک نه تنها در کابل بلکه در بازداشتگاه ها در سایر نقاط افغانستان موجود است. گزارشگر خاص بطور مشخص از زندان پل چرخ، پایگاه های نظامی (خاصاً در ولایات)، حوزه های پولیس در کابل و ولایات، وزارت داخله، قرارگاه مرکزی خاد(صدارت- م) و هشت بازداشتگاه خاد در کابل. گزارشگر خاص می افزاید که بیش از دوصدخانه در کابل و حومه آن بحیث بازداشتگاه خاد مورد استفاده قرار دارد. (UN Report on Human Rights, 1985 paragraph 87) در گزارش سال 1989 خویش، گزارشگر خاص از استنطاق در یازده حوزه پولیس خبر میدهد. عین تصویر فوق را در گزارش سازمان عفو بین المللی (شکنجه زندانیان سیاسی، صفحه 6 و 7) نیز میتوان یافت. " این مثال مشت نمونه خروار از اسنادیست که موجودیت کتله ای زندانیان سیاسی و شکنجه سیستماتیک آنان توسط رژیم در سالهای بعد از از بین رفتن



Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

امین را نشان میدهد. آیا میتوان با این وصف چشمهای خود را بروی واقعیتهای تاریخی بست و از آنچه قابل دفاع نیست، دفاع نمود؟

- در اخیر باید یاد آوری کرد که تأیید ضرورت محکمه خاص ملل متحد برای افغانستان که در آن متهمین گوناگون مورد محاکمه شفاف قرارگیرند، امریست مثبت. این نظر را فارو سالها پیش مطرح نمود. متأسفانه تصمیمگیری در مورد تشکیل همچو محکمه در ساحه صلاحیت شورای امنیت ملل متحد قرار دارد. روسیه، انگلستان و امریکا بخاطر تاریخچه مداخلات و درگیری های شان در حمایت از ناقضین حقوق بشرو جانیان جنگی سه ونیم دهل اخیر، در وضع کنونی حاضر به ایجاد محکمه خاص افغانستان نخواهند شد. بگفته محترم رحمت آریا یگانه کاریکه اکنون قربانیان انجام داده میتوانند، مستندسازی جنایات و جمع آوری مدارک و اسناد ثبوت این جنایات است. شاید روزی یک محکمه داخلی یا بین المللی جنایات سه ونیم دهه اخیر افغانستان را مورد غور قرار دهد.

(کمیته حقوق بشرفارو)